

جان شاند

درست استدلال کردن

ترجمه‌ی

تورج قانونی



فهرست

۹	دیباچه‌ی مترجم
۱۷	یادداشت ناشر انگلیسی
۱۹	پیش‌گفتار نویسنده
۲۱	مقدمه
۲۵	۱ مبنای عقلی
۵۱	۲ استدلال‌ها
۷۷	۳ چگونه استدلال عقیم می‌شود
۸۷	۴ تعاریف
۱۰۳	۵ منطق نمادین پایه
۱۴۱	۶ فهم استدلال کافی نیست
۱۵۹	برای مطالعه‌ی بیش‌تر

دیباچه‌ی مترجم

همه کم‌وبیش با استدلال‌کردن آشنایند و هر کس به‌نوعی آن را آزموده است، چه درست و چه نادرست. می‌توان خود را ملزم به استدلال ندانست، شاید بتوان بدون آن گذران کرد، اما نمی‌توان پرسید و استدلال نخواست. پرسش و استدلال رابطه‌ی تنگاتنگی با هم دارند. چیستی «پرسش» مهم نیست شاید از این رو که هرگز نمی‌توان ماهیت خود پرسش را دانست. پرسش از این‌که «پرسش چیست» پرسش از پرسش است. در چنین پرسشی پرسش‌گر ناخواسته هم از پرسش و هم از خود پرسش می‌کند. به این ترتیب او در وضعی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند خود را جدا از نفس پرسش و پرسش را جدا از پرسش تصور کند. او به بیرون ناظر نیست بلکه به درون ناظر است. چنین پرسشی اگر خلاف عرف است به این دلیل است که پرسش همواره ناظر به چیزی غیر از خود است. ما همواره به بیرون ناظر هستیم و پرسش ما چیزی را نشان می‌رود. اما وقتی به درون نظر می‌کنیم و از خود پرسش می‌کنیم دو چیز از پرسش روی می‌گرداند و استعلایی می‌شود یکی منی است که می‌پرسد، من استعلایی، و دیگری سؤال از خود پرسش است، پرسش استعلایی. سؤال از این‌که سؤال چیست بی‌معنا به نظر می‌رسد، اما سؤال از این‌که سؤال درباره‌ی چیست، این‌که پرسش درباره‌ی چیست و یا